

طرح های ارتجاع و حقوق زحمتگشان

اردیبهشت ماه ۵ هزار و ۵۱۶ نفر بوده است. سپس همین روزنامه می افزاید: «به نظر می رسد افزایش دستمزد کارگران، در ابتدا با هدف راضی کردن جامعه کارگری [بخوان طبقه کارگر] و در راستای سیاست های پوپولیستی دولت فهم طرح می شد اما به دلیل وضعیت واقعی کشور و شرایط حاکم بر فضای روابط کار این سیاست که قصد حمایت از گروه کارگران و جلب نظر و آرای آنها را داشت در عمل با اخراج گسترده کارگران روبرو شد که اهداف نخست دولتمردان را با شکست مواجه ساخت با اخراج و بیکاری گسترده کارگران، گزارش بانک مرکزی نیز نشان می دهد نرخ بیکاری به عدد ۱۲ درصد (البته نرخ رسمی و دولتی که واقعی نیست، نرخ بیکاری بسی بیش از این رقم دولتی می باشد)

روزی نیست که در رسانه های همگانی خبری در ارتباط با موج اخراج های پی در پی کارگران بازتاب پیدا نکند، به موازات آن، شاهد تبلیغات وسیع مرتجعان حاکم پیرامون سرعت بخشیدن به طرح هایی که قرار است «معضلات بی شمار کارگران» و «توده های محروم جامعه» را حل کند، هستیم. روزنامه اعتماد ملی در تاریخ ۱۷ خرداد ماه در گزارشی نوشت: «براساس آمار رسمی وزارت کار و امور اجتماعی در فروردین و اردیبهشت ماه امسال جمعاً ۵۰ هزار و ۷۳۷ کارگر به دلیل اتمام قرارداد کار اخراج شده و به وزارت کار دادخواست ارایه کرده اند که در مقایسه با سال گذشته ۲۹ درصد رشد داشته است، تعداد کارگران بیکار شده طی سال جاری به تکلیک در فروردین ماه ۲۵ هزار و ۲۲۱ نفر و در



شماره ۷۴۱، دوره هشتم
سال بیستم، آتیرماه ۱۳۸۵

ادامه در صفحه ۳

نگاهی به پیامد های سیاست های

اقتصادی دولت احمدی نژاد

انقصاد قرار داد بزرگترین طرح ای - پی - سی کشور میان وزارت نفت و سپاه پاسداران بازتاب گسترده در رسانه های همگانی داشت و به همراه آن بحث پیرامون سمت وسو و محتوی سیاست های اقتصادی دولت احمدی نژاد با حرارت بسیاری در میان مطبوعات و احزاب و سازمان های سیاسی جریان دارد. بر پایه گزارش رسمی، در روز چهارشنبه ۱۷ خرداد ماه سال جاری مراسم امضای مقوله نامه طرح معروف به «خط انتقال هفتم» به ارزش ۱ میلیارد و سیصد میلیون دلار توسط شرکت ملی گاز ایران با قرار گاه سازندگی خاتم الانبیاء سپاه پاسداران برگزار شد. این قرار داد بدون هیچگونه مناقصه به امضاء رسیده است و در واقع واگذاری یکی از مهمترین و پر سردترین طرح های شرکت ملی گاز ایران به یک نهاد نظامی یعنی سپاه پاسداران قلمداد می گردد. کاظم وزیرری ماهانه وزیر نفت دولت احمدی نژاد در پاسخ به پرسش خبرنگاری در خصوص اینکه چرا چنین طرح عظیم و بسیار مهمی را بدون برگزاری مناقصه واگذار می کنید، فقط اعلام داشت: «سرعت عمل در این کار ضرورت دارد و باید این طرح دو و نیم ساله عملیاتی شود، مناقصه یک سال طول می کشید.» اهمیت این طرح که از سوی مسئولان شرکت ملی نفت ایران بزرگترین پروژه ای - پی - سی خوانده می شود، در این است که این خط لوله یا بهتر بگوییم شاه لوله استراتژیک از منطقه پارس جنوبی (عسلویه) آغاز و با گذر از استان هرمزگان و بندر عباس به استان سیستان و بلوچستان و شهر

ادامه در صفحه ۲

درد پر شور به پیکار دلیرانه زنان ایران

کرد. برای مثال، قوه قضاییه و نیروهای انتظامی، قبل از انجام این تظاهرات، تعداد زیادی از فعالان جنبش زنان را احضار و مورد بازجویی قرار داده بود. علاوه بر این شبیه شب، مأموران امنیتی به منزل تعدادی از زنان شناخته شده و فعالان اجتماعی رفته و آن ها را جلب کردند. در میان آن ها اسمای این افراد به چشم می خورد: نوشین احمدی خراسانی، پروین اردلان، سوسن طهماسبی، زهره ارزنی و فریبا داوودی مهاجر و ... دوشنبه صبح نیز، مأموران امنیتی شهلا انتصاری یکی دیگر از فعالان جنبش زنان را درمحل کار خود در تهران دستگیر کردند. در ارتباط با شدت حمله و سرکوب زنان در این روز، کافی است که به گفته های جمال کریمی راد، سخنگوی قوه قضاییه، توجه کرد که می گوید: نیروهای امنیتی ۷۰ نفر از جمله ۴۲ زن و ۲۸ مرد را برای جلوگیری از برگزاری تجمع یاد شده دستگیر کردند. به گفته وی قوه قضاییه اتهام افراد یاد شده را «شرکت در تجمع غیرقانونی» اعلام کرده است. این اتهام پی پایه و فریبکارانه درحالی صورت می گیرد که طبق اصل بیست هفت قانون اساسی برگزاری تجمعات مسالمت آمیز آزاد است و کسی حق جلوگیری از آن را ندارد.

در این میان توجه به تاکتیک ارتجاع در این روز برای سرکوب زنان در میدان هفت تیر، دارای اهمیت است. ارتجاع این بار در کنار استفاده از نیروهای امنیتی و لباس شخصی های مرد، شمار زیادی از نیروهای انتظامی زن را که مسئولیت مستقیم حمله و دستگیری زنان حاضر در محل را داشتند، به میدان هفت تیر اعزام کرده بود. نیروهای امنیتی مرد نیز بیشتر سرگرم سرکوب و دستگیری مردان بودند که به خاطر همبستگی با زنان قصد حضور در محل را داشتند. برای نمونه یکی از شاهدان عینی به

در روز ۲۲ خرداد تجمع مسالمت آمیز زنان میهن ما با سرکوب شدید نیروهای امنیتی ارتجاع حاکم روبرو شد. نیروهای سرکوب گر با بهره گیری از نیروی نظامی، از ساعت ها قبل با استقرار در اطراف محل پیش بینی شده تجمع اعتراضی، سعی کردند که پیش از آغاز مراسم مانع از برگزاری آن شوند. تجمع یاد شده به دنبال درخواست صدها مدافع حقوق زنان و فعالان حقوق بشر برای اصلاح قوانین در سیستم حقوقی ایران و از بین بردن مواد تبعیض آمیز درمورد زنان، تدارک دیده شده بود. خواسته های عمده زنان به طور مشخص بر ضد قوانین زن ستیز که در بیانیه ها و نوشتار های فعالان جنبش زنان بازتاب داشت، عبارت بود از: «منع چند همسری، لغو حق طلاق یکطرفه مرد، حق ولایت و حضانت بر فرزند توسط پدر و مادر به طور مشترک، تصویب حقوق برابر در ازدواج (مانند حق بدون فید و شرط اشتغال و حق تابعیت مستقل زنان متاهل و...)، تغییر سن کفبری دختران به ۱۸ سال، حق شهادت و دیه برابر، و لغو قانون قراردادهای موقت کار و دیگر قوانین تبعیض آمیز».

این موارد آن محورهای بودند که زنان میهن ما برای تحقق آنها دست به اعتراض زده بودند. همبستگی وسیع با این خواسته ها از سوی اکثریت نیروهای آزادی خواه و مترقی تا روز ۲۲ خرداد، همچنان ادامه داشت. شاید هم درست به همین خاطر ارتجاع از گسترش ابعاد این حرکت اعتراضی نگران بود و از شب پیش از تجمع اعتراضی به حرکت های سرکوب گرانه از جمله جلب و دستگیری برخی از چهره های شناخته شده زنان اقدام کرد و در روز ۲۲ خرداد نیز با اعزام نیروی امنیتی و سرکوبگر، به تجمع کنندگان حمله

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه!»

ادامه نگاهی به پیامدهای ...

ایران‌شهر متصل می‌گردد. طول این خط ۹۰۰ کیلومتر است و از لوله‌هایی با قطر ۵۶ اینچ (بالاترین قطر لوله) در آن استفاده خواهد شد و قادر است در فاز اول ۵۰ میلیون متر مکعب گاز را از پارس جنوبی به ایران‌شهر انتقال دهد. این شاه لوله در واقع نقطه آغاز برای خط لوله معروف به صلح است که امید می‌رود میان ایران و پاکستان و هند احداث شود. به بیان روشن سپاه پاسداران در حال حاضر مهمترین پروژه خط انتقال گاز کشور را که جنبه استراتژیک داشته و با منافع ملی ایران و موقعیت آن در معادلات منطقه ای پیوند دارد، به چنگ آورده و بر آن تسلط پیدا کرده است. امری که نمی‌تواند به نفع منافع اقتصاد ملی و نیز امنیت ملی مینماید باشد. این قرارداد یگانه طرحی نیست که سپاه پاسداران و بسیج و دیگر ارگان‌های نظامی و امنیتی به آن دستبرد زده و در چنگ خود گرفته‌اند. پاسداران عاید زاده جانشین قرارداد سازندگی سپاه پاسداران موسوم به خاتم الانبیاء در مراسم انعقاد قرار داد فوق با صراحت اعلام داشت: «سپاه از شانزده سال پیش به این سو ۱۲۲۰ پروژه ملی، منطقه‌ای، عمومی و معدنی را اجرا کرده و ۲۷۴ پروژه دیگر هم در حال اجرا دارد.» به علاوه یادآوری این نکته نیز خالی از فایده نیست که سپاه چگونه هنگام بهره برداری و افتتاح فرودگاه نو بنیاد تهران واکنش نشان داد و نیز این موضوعی پنهان نیست که علاوه بر صدها طرح پر سود در عرصه‌های گوناگون سپاه پاسداران و برخی بنیادهای انگلی دایر کنندگان و هدایت کنندگان بیش از ۷۰ اسکله غیر مجاز در سراسر مناطق ساحلی شمال و جنوب ایران می‌باشند و سر نخ قاچاق کالاهاى مختلف که به داخل کشور حمل می‌شود به این اسکله‌ها و سپاه پاسداران ختم می‌گردد. همچنین ما امروز در عرصه اقتصادی شاهد حضور ده‌ها و صدها شرکت خصوصی هستیم که همگی در ارتباط با قرار گاه سازندگی خاتم الانبیاء سپاه پاسداران قرار داشته و به عنوان پیمان کاران آن فعالیت می‌کنند. سهام این شرکت‌ها بطور عمده در تصاحب افراد و فرماندهان سپاه و مراکز مختلف مرتبط به ولی فقیه است. همین شرکت‌ها در زمانیکه احمدی نژاد شهردار تهران بود، طرح‌های بسیاری را به دست آورده و به عنوان پیمانکار شهرداری تهران عمل می‌کردند. اکنون با گمارده شدن او بر کرسی ریاست جمهوری طرح‌های عظیم و فوق العاده مهم و استراتژیک به این شرکت‌های خصوصی تعلق می‌گیرد و همین امر به نفع و کشمکش درون و پیرامون حکومت دامن زده است. بخش مهمی از اختلافات موجود و شکاف پدید آمده در طیف مدافعان ذوب در ولایت به همین علت است. سخنان رحیم صفوی فرمانده سپاه پاسداران، هنگام عقد قرارداد شاه لوله گاز مینی بر اینکه: «ما سود طلب و تاجر نیستیم، وزارت نفت پروژه‌های زیادی دارد و

جا برای هیچکس تنگ نمی‌شود....» پاسخی به نارضایتی و انتقاد و اعتراض درون جناحی بویژه از سوی جریان‌های همچون موتلقه، روحانیت مبارز و هواداران رفسنجانی و غیره بود! قرارداد با سپاه پاسداران و گسترش نفوذ این حزب پادگان‌ی در حیات سیاسی اقتصادی و اجتماعی کشور، با یک رشته مسایل مهم در عرصه اقتصادی همزمان است و توجه به آنها و درک ارتباط و پیوند میان این مجموعه برای ارزیابی صحیح صحنه سیاسی کشور و آرایش وصف بندی‌های نوین حائز اهمیت فراوان است و می‌تواند برای درک صحیح از اوضاع کنونی و پدیده‌های بغرنج چند وجهی موثر در تحولات کشور مفید باشد.

خصوصی سازی و روند مخرب بیکاری

چند هفته پیش از اعلام انعقاد قرارداد میان سپاه و وزارت نفت داود دانش جعفری وزیر اقتصاد و دارایی طی گفت و گویی با خبرنگار اقتصادی ایسنا اعلام داشت: «ساختار اقتصادی کشور در حال تغییر است و با افزایش رشد نقدینگی به همان نسبت تورم با اجرای سیاست‌های جنبی و مکمل کنترل خواهد شد.» دانش جعفری بیش از این خبرگزاری مهر به تاریخ ۲۷ اردیبهشت ماه صراحتاً گفته بود: «خصوصی سازی تعطیل نشده است، خصوصی سازی جز سیاست‌های کلی کشور است و بطور کلی با تغییر در دولت به لحاظ اینکه هم در برنامه وهم در سیاست تغییری در نگرش (به خصوصی سازی) اتفاق نمی‌افتد. دولت به سمتی پیش می‌رود که دولت را از حالت کار فرمایی در آورد، اعتقاد اصلی ما بر خصوصی سازی است و یکی از بندهای برنامه من همین خصوصی سازی است.» به دنبال این موضع گیری‌ها به گزارش خبرگزاری فارس به تاریخ ۵ خرداد ماه، حیدری کرد زنگنه رییس سازمان ساخت: «مواد باقی مانده سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی برای خصوصی سازی بانک‌ها و بیمه‌ها و مراکز صنعتی مادر به طور قطع ظرف یک یا دو ماه آینده ابلاغ می‌شود. او همچنین در خصوص واگذاری سهام برخی مراکز صنعتی دارای جنبه استراتژیک در اقتصاد ملی مانند فولاد خوزستان و فولاد مبارکه و پتروشیمی در قالب سهام به اصطلاح عدالت تأکید کرد. سهام شرکت‌های بزرگ ظرف یک ماه آینده مشخص می‌شود و ۳۰ تا ۴۰ درصد سهام فولاد مبارکه در قالب سهام عدالت عرضه خواهد شد. از دیگر سو همچنین مقام مسئول به خبرگزاری ایلنا یاد آوری کرده بود که «بررسی کارشناسی لایحه خصوصی سازی در بدنه دولت جریان دارد و با توجه به اینکه واگذاری سهام عدالت به عنوان یکی از روش‌های خصوصی سازی وارد سیستم کشور شده، باید ساز و کارهای لازم برای این کار در لایحه خصوصی سازی دیده شود، با این اقدام روش‌های متنوع تری برای خصوصی سازی مورد استفاده قرار خواهد گرفت تا از این طریق بسیاری از مشکلات شرکت‌های زیان ده و شرکت‌هایی که نیاز به اصلاح ساختار، انحلال و یا تصفیه دارند مرتفع شود. با این اقدامات تمرکز سیاست گذاری در امر خصوصی سازی کشور در یک نهاد خلاصه خواهد شد که به نفع کشور است.» در کنار این موضع گیری‌ها اقدامات بسیار هدفمند که تکیه گاه و قدرت مالی و اهرم اقتصادی و در

نتیجه نفوذ سیاسی لایه‌ها و جناح‌های معینی را آماج قرار داده و به قصد تضعیف و منجمد ساختن آن به اجرا در آمده، شاهد رخ داده‌هایی نظیر التهاب در بازار آهن تهران بودیم. خبرگزاری مهر در این باره نوشت: «برخی تجار و دلالان از اواخر سال گذشته تا روزهای پایانی فروردین ماه سال گذشته بنا به دلایلی (!!!) اقدام به فروش محصولات فولادی خود در بازار نکرده بودند، به یکباره محصولات خود را در اردیبهشت ماه جاری روانه بازار کرده و هم اکنون سود میلیاردی نصیب شان شده است.» دبیر انجمن صنفی آهن فروشان به خبرگزاری مهر در این باره گفت: «بخش زیادی از نقدینگی کشور وارد بازار آهن شده و حضور برخی دلالان و ایجاد جو روانی در افزایش قیمت‌ها نقش بسزایی داشته است، عده‌ای با خرید بی رویه آهن باعث ایجاد جو روانی کمبود در بازار شده‌اند، معاملات آهن در بورس فلزات توسط کارگزاران (بخوان دلالان و فعالان بورس باز) انجام می‌شود، باید به شکلی کمیته‌های ناظر در بورس بر قیمت‌ها و کارگزاران نظارت داشته باشند» در همین مورد، دفتر مطالعات زیر بنایی مرکز پژوهش‌های مجلس با انتشار گزارشی از نحوه عرضه و انحصاری شدن معاملات محصولات فولاد مبارکه در بورس تهران انتقاد کرده و در این باره می‌نویسد: «بیش از ۶۸ درصد معاملات بورس فلزات تهران را فولاد و محصولات فولادی تشکیل می‌دهد که در این میان ۷۸ درصد مجموع فولاد مورد معامله توسط شرکت فولاد مبارکه تولید شده و از طریق کارگزاری (واسطه‌گری) شرکت «سی واکس» کالا عرضه می‌شود و این شکل معاملات یک انحصار تولید دولتی و عرضه شبه دولتی را به بازار بورس تحمیل کرده است که این موضوع کاملاً برخلاف اساسنامه بورس کالایی و فساد آفرین است. بورس فلزات تهران انحصاری شده است (در دست دولت). در همین گیر و دار، با رشد اعتبارات دولت برای کارهای عمرانی که عمدتاً به سپاه و بسیج واگذار شده و تخصیص بودجه مورد نیاز این طرح‌های عمرانی از سوی دولت، در کنار اجرای مکانیزم‌های تشویقی ساخت مسکن و سرازیر شدن نقدینگی سرگردان به بازار فلزات، به یکباره شرکت‌های کارگزار بورس یعنی واسطه‌ها که به دولت و در نتیجه به سپاه و بسیج مرتبط هستند صاحب درآمد و سود شدند و کسبه بازار آهن و بخشی از تجار سنتی آهن که با فروش سهمیه‌های دولتی که به صورت حواله دریافت می‌کردند و از این بابت از سود سر شماری برخوردار می‌شوند، از این سهمیه‌ها و حواله محروم و در نتیجه از سود حاصل بی بهره شده و بر کنار ماندند. بلافاصله تجار آهن فروش در قالب انجمن اسلامی آهن فروشان، تعاونی مرکز تهیه و توزیع آهن‌الات و سندیکایی کار فرمای لوله و پروفیل دست به نگرش نامه‌های پی در پی خطاب به محمود احمدی نژاد رییس جمهوری، از او خواستند صراحتاً مخالفت خود را با فعالیت به گفته آنان تورم زای بورس فلزات، اعلام نماید. اما دولت احمدی نژاد در برابر نامه‌های متعدد آنان ابتدا سکوت اختیار کرده و سپس سخنگوی دولت بطور غیر مستقیم هر گونه توافق با دیگر طرف‌ها برای خاتمه فعالیت بازار بورس فلزات و شرکت‌های واسطه‌ای که کار گزار نامیده می‌شوند و با دولت پیوند دارند را رد

ادامه نگاهی به پیامدهای سیاست های ...

کرد. با این واکنش، انجمن اسلامی آهن فروشان در نامه ای تاکید کرد دخالت گروه های ذینفع در روند فعالیت بورس فلزات افزایش خواهد یافت و این به زیان تثبیت قیمت هاست. معنای این نامه اینست که دخالت شرکت های به اصطلاح خصوصی که با محافل نزدیک به سپاه و دولت تماس دارند در بازار آهن افزایش خواهد داشت و این خطری برای منافع آن بخش تجار است! این وضعیت پیامدهای دیگری هم دارد و آن فروپاشی بنیه تولیدی کشور و نابودی صنعت و افزایش نرخ بیکاری است. به گزارش خبرگزاری مهر به تاریخ ۲۷ اردیبهشت ماه، نایب رییس اتحادیه صنف فروشندگان کاغذ و مقوا اعلام داشت، با توجه به سیاست های مالیاتی دولت، حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد صنوف تعطیل خواهند شد. وی تصریح کرد: «درحالی که کسبه خرده پا گرفتار چک و چک بازی های خود است و برای پاس کردن چک روزمره خود با مشکلات زیادی روبرو است، وضع مالیات های جدید موجب مضاعف شدن مشکلات آنها خواهد شد، چرا افزایش مالیات از سوی دولت آقای احمدی نژاد به سرمایه داران صنوف و دانه درشت ها تعلق نمی گیرد و کسبه خرده پا باید بدبخت و متلاشی شوند این در حالی است که کسبه خرده پا برای تامین مخارج روزانه خود با مشکل مواجه است.» همچنین در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ماه اعلام شد بر اثر برنامه های دولت ۸۰ درصد کارخانه های پنبه پاکنی استان گلستان تعطیل است دولت از واردات بی رویه و قاچاق حمایت می کند و این سبب شده پنبه کاران و کارخانه های پنبه پاکنی با رکود و با تعطیلی روبرو شوند. بخشی از پنبه وارداتی از اسکله های غیر مجاز که تحت نظارت سپاه پاسداران است وارد کشور می شود. در همین زمینه، روزنامه دنیای اقتصاد به تاریخ ۶ خرداد ماه در گزارشی نوشت: «صنعت برق کشور در آستانه ورشکستگی قرار دارد، این وزارتخانه به دلیل کمبود بودجه، توانایی پرداخت به موقع مطالبات پیمان کاران را ندارد، این وزارت کسری بودجه دارد، درحال حاضر دولت از مصرف بخش قابل توجهی از برق مطلع نیست.» طرح خصوصی سازی وزارت نیرو و برق در دولت احمدی نژاد در حال تهیه است و قرار است این طرح به مجلس ارائه شود. علاوه بر صنعت برق، در اواسط اردیبهشت ماه اعلام شد ذوب آهن اصفهان ورشکسته شده است، حمید رضا پولادگر نماینده رژیم در مجلس هفتم در این خصوص به خبرنگار خبرگزاری فارس اعلام داشت: «در سال گذشته ذوب آهن اصفهان در پروژه های توسعه و توازن خود از درآمدها و منابع مالی خود شرکت استفاده نموده و همین مساله مشکلات مالی را برای ذوب آهن ایجاد کرده است. بدهی ۵۰۰ میلیارد تومانی ذوب آهن شایعه است، بدهی ذوب آهن تنها ۵۰۰ یا ۶۰۰ میلیارد تومان است، راه حل این مشکل و نجات ذوب آهن گرفتن وام خارجی ۷۰ میلیون دلاری از بانک توسعه است.» صنایع چوب ایران نیز در اثر برنامه های دولت در بحران جدی قرار گرفته است، علت این امر را دبیر انجمن کار فرمایان صنایع چوب ایران، واردات بی رویه و سیاست گذاری های دولت نامیده است. صنایع چوب کشور نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر را تحت پوشش دارند و با بحران موجود بسیاری از این تعداد بیکار و موسسات و صنایع چوبی ورشکسته می شوند. اینها گوشه هایی از نتایج سیاست های دولت احمدی نژاد است و نشانگر این واقعیت می باشد که، این دولت با برنامه ای مشخص می کوشد در چارچوب سمت گیری اقتصادی اجتماعی رژیم ولایت فقیه موقعیت خود را تقویت و تحکیم کند. به این ترتیب محور مبنای برنامه اقتصادی دولت احمدی نژاد بر خلاف تبلیغات عوام فریبانه، تاکید و گسترش خصوصی سازی است با این تفاوت که این برنامه تلاش دارد، خصوصی سازی در خدمت منافع لایه های و باندهای معینی مانند سپاه پاسداران و امثالهم باشد و موقعیت اقتصادی - اجتماعی و قدرت سیاسی آنها را تقویت نماید و به همان اندازه دیگر بخش ها را تضعیف و موقعیت آنها را در هرم حاکمیت تعدیل و یا متزلزل سازد. درگیری کنونی میان جناح های مختلف طیف ارتجاع و مدافعان ذوب در ولایت در عرصه سیاسی بیش از هر عامل دیگری بر پایه این سهم خواهی از ثروت ملی متعلق به مردم قرار دارد، دولت احمدی نژاد و باندهای مدافع او در طیف ارتجاع به صورت سازمان یافته و از روی برنامه ریزی با چنگ انداختن بر ثروت ملی و درآمدهای کشور لایه ها و قشر های وابسته و وفادار به خود را تقویت و پرورش می دهند تا به عنوان تکیه گاه اجتماعی، قدرت سیاسی آنان را تثبیت نمایند. آیا این جناح طیف ارتجاع در این هدف، کامیاب خواهد شد؟ پرسشی که پاسخ به آن زود هنگام می نماید.

ادامه طرح های ارتجاع

چگونگی مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی و احیا و ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری که مورد توجه توده های کارگری قرار گرفته، به رغم شرایط نامساعد و دشواری های گوناگون جریان دارد.

یکی از مهمترین این بحث های، اصلاح فصل ششم قانون کار جمهوری اسلامی است که از سوی فعالان کارگری با پیگیری دنبال می شود. اینک یکی از موانع عمده بر سر راه ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری، همین فصل از قانون کار می باشد که در دوران معینی تصویب و به اجرا گذاشته شد و هدف آن جلوگیری از هرگونه تشکل مستقل صنفی است، در حال حاضر این امر چالش جدی را سبب گردیده و انتظار می رود با توجه به سیاست های ضد کارگری وزارت کار، اعتراض های کارگری و بطور کلی مبارزه برای تامین حقوق سندیکایی با تمرکز بر این مساله ابعاد وسیع به خود بگیرد و از این رو می باید از هم اکنون در جهت ارتقاء سطح سازماندهی و همبستگی در میان کارگر با خواست هایی نظیر احیا و حقوق سندیکایی و تغییر و اصلاح فصل ششم قانون کار و انطباق با مقاله نامه ۸۷ سازمان جهانی کار در راستای آزادی تشکل و تصمیم گیری گروهی تلاش کرد. این مبارزه از آنجا که با منافع و حقوق کارگران ارتباط مستقیم و تنگاتنگ دارد با استقبال آنان روبرو خواهد شد و در واقع پس از نزدیک به دو دهه ادامه منطقی جنبشی است که زحمتکشان در اوایل دهه شصت خورشیدی بر ضد قانون کار توکلی سازمان دادند. تجربه زندگی زحمتکشان میهن ما نشان داده است، خانه کارگر، شوراهای اسلامی و بطور کلی این دسته تشکل های زرد در خدمت رژیم نه تنها مانع و سد برای ایجاد سندیکاهای مستقل بوده اند، بلکه قادر نیستند حتی بخش کوچکی از حقوق صنفی - رفاهی را تامین و تضمین کنند. طبقه کارگر ایران برای تامین منافع و حقوق صنفی خود، نیازمند سندیکاهای مستقل و واقعی است و برای رسیدن به این هدف از همه گونه امکانات و روزنه ها با دقت و هوشیاری استفاده کرده و خواهد کرد.

رسیده است که خبر چندان خوشایندی نیست.»

اما دولت ارتجاع به ویژه شخص رییس جمهوری با وجود واقعیت های غیر قابل انکار، کماکان بر طبل دروغ کوبیده شعارهای بی پشتوانه و عوام فریبانه سر می دهد. احمدی نژاد در جریان آخرین روز سفر خود به استان قزوین اعلام کرد: «مشکلات کارگری حداکثر تا دو ماه آینده حل می شود.» او قبل از این در سفر به استان مرکزی در جمع مردم ساوه با اشاره به برنامه خصوصی سازی یاد آوری کرده بود: «در سال های اخیر تحت عنوان خصوص سازی اقداماتی صورت گرفت که نه تنها خیری برای کشور نداشت، بلکه اموال مردم را در اختیار عده ای خاص قرارداد و باعث شد کارگران بیکار شوند کارخانه ها نابود گردند.»

البته باید به احمدی نژاد گوشزد کرد طی فعالیت دولت او نرخ بیکاری اخراج کارگران و نابودی کارخانه ها و اضمحلال بنیه تولیدی کشور مطابق آمار رسمی خود رژیم افزایش چشمگیر داشته است چالب اینجاست در همین مورد یکی از نمایندگان انجمن های کار فرمایی خطاب به مسئولان وزارت کار که مدعی اشتغال زایی و حل معضلات تولید شده اند چنین گفته است: «ادعای ایجاد فرصت شغلی کار آسانی است، اما اگر به واقع این اشتغال زایی محقق شده بهتر است آدرس این مرکز را هم بدهند تا در صورت ایجاد سهمیه، بتوان به آنها مراجعه کرد اگر وزارت کار حاضر نیست مشاغل ایجاد شده را معرفی کند آمادگی داریم تا کارخانجات تعطیل شده و لیست قابل ملاحظه کاران را اعلام کنیم.....» (ایلنا ۳۰ اردیبهشت ماه ۸۵)

در چنین اوضاعی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما با معضلات بی شمار روبرو شده و امنیت شغلی آنان در حال نابودی کامل قرار گرفته است، به این جهت جنبش اعتراضی کارگران در حال پیمودن مسیری رو به رشد است. بویژه در این خصوص بحث در باره

زندانیان، مسئول بخش ایران سازمان دیدبان حقوق بشر چنین می گوید: ایشان [سعید مرتضوی] بر اساس اطلاعات مستند و موقت متهم به نقض گسترده حقوق بشر از جمله هماهنگی بازداشت های غیرقانونی، آزار و شکنجه زندانیان، اجبار آنان به نوشتن اعترافات دروغین و بسیاری موارد دیگر می باشند... در نتیجه عضویت ایشان در هیات نمایندگی ایران برای کمیسیون حقوق بشر را فقط می توان به عنوان بی اعتنائی جمهوری اسلامی به عملکرد خود در حقوق بشر در این کشور تفسیر کرد، چرا که فقدان پاسخگویی مقامات در قبال نقض مکرر حقوق بشر، موقعیتی را ایجاد کرده که ناقضین حقوق بشر نه تنها مجازات نمی شوند، بلکه ارتقای رتبه می گیرند و به عنوان سخنگوی دولت در مجامع بین المللی حقوق بشر هم شرکت می کنند. سعید مرتضوی پیش از پرواز به سوئیس، در یک مصاحبه مطبوعاتی که خبرگزاری جمهوری اسلامی آن را منعکس کرد، ضمن ریختن اشک تمساح برای نقض حقوق بشر در کشورهای دیگر، و ابراز نگرانی از استفاده ابزاری از حقوق بشر توسط غرب و کشورهای سلطه گر می گوید: «حقوق بشر در معنای واقعی آن مفهومی مقدس است که در فرهنگها و ادیان الهی توجه خاصی به آن مبذول شده است که این مفهوم مقدس، نباید مورد سوءاستفاده برخی کشورهای سلطه گر قرار گیرد. این که موضوع حقوق بشر تا چه حد برای رژیم ولایت فقیه و کارگزاران آن مقدس است و رعایت می شود، امری است که مردم به ویژه زنان و جوانان میهن ما هر روز آن را با ضربات چماق و استفاده از اسپری فلفل و غیره لمس می کنند. این جا است که نباید اجازه داد موضوع رعایت حقوق بشر توسط آقایان مورد سوءاستفاده قرار گرفته و به ضد خود تبدیل شود. در این زمینه یکی از راه کارها، افشاگری چهره واقعی دست اندر کاران استبداد است.



دهن کجی استبداد حاکم به حقوق بشر

در آغاز هفته اخیر، اولین نشست شورای تازه شکل گرفته حقوق بشر سازمان ملل در ژنو برگزار گردید. دولت جمهوری اسلامی نیز در روز دوشنبه هیئت نمایندگی خود را برای حضور در کنفرانس شورای حقوق بشر اعزام کرد. وزیر دادگستری این هیئت را سرپرستی می کند. با این حال نگاهی به نام های افرادی که او را همراهی می کنند، قابل توجه است. از آن میان می توان به سعید مرتضوی و جمال کریمی راد اشاره کرد. خبرگزاری ایرنا این گزارش را تایید کرد و خبر داد که دادستان عمومی و انقلاب تهران صبح روز دوشنبه به همراه برخی از مقامات قضایی کشور برای شرکت در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، عازم ژنو شد.

سعید مرتضوی قاضی پیشین مجتمع قضایی است که تا کنون مسئول رسیدگی به اصطلاح جرایم مطبوعاتی بود. این فرد با اقدامات خود در بین مردم به چماقدار مطبوعاتی رژیم معروف است. وی هم اکنون «ارتقاء» درجه یافته و در سمت دادستان عمومی و انقلاب تهران است. وی همچنین یکی از متهمین اصلی در جریان بازداشت، شکنجه و بالاخره قتل زهرا کاظمی است. جریانی که هنوز پرونده آن بسته نشده است. جمال کریمی راد نیز همان کسی است که در جریان سرکوب اخیر تجمع اعتراضی زنان، نقش فعالی را در مقام سخنگوی قوه قضایه بازی کرد. حضور این افراد که خود بنابر دلایل موجود از نقض کنندگان حقوق شهروندی مردم میهن ما هستند، آن هم در نشست شورای حقوق بشر، واقعاً دهن کجی به حقوق بشر است. همزمان با بازتاب خیر حضور این افراد، اعتراضات و مخالفت با اعزام این هیئت بالا گرفت. در این ارتباط برای نمونه سخنگوی انجمن دفاع از آزادی مطبوعات ایران در مصاحبه ای چنین می گوید: شما تمامی پرونده های مطبوعاتی توقیف شده را وقتی بررسی می کنید، نام سعید مرتضوی در ذیل این احکام پیدا می کنید.

علاوه بر این با توجه به نقش سعید مرتضوی در جریان شکنجه زندانیان و به ویژه در زمینه وارد آوردن فشار به آنان برای نوشتن اعترافات دیکته شده توسط

خواست چهار های سیاسی، روشنفکران و نویسندگان پیرامون حوادث اخیر مناطق آذری نشین

در ارتباط با وقایعی که در مناطق آذری نشین صورت گرفت و در اعتراض به واکنش خشن نیروهای رژیم از جمله، حمله و سرکوب اعتراض های مردم و به خصوص بازداشت و زندانی کردن تعدادی از شرکت کنندگان در برخی از شهرهای کشور، اطلاعیه ای از جانب ۳۴۰ تن از فعال سیاسی، روشنفکران و نویسندگان منتشر شد. این اطلاعیه ضمن ابراز نگرانی، خواسته هایی منطقی مطرح کرده است که به عقیده ما نیز، تا زمانی که به این خواست ها پاسخ داده نشود، ریشه اصلی مشکلات و برطرف کردن فشارها و ستم ملی، حل نخواهد شد. در این نامه که در واقع می توان آن را دادنامه خواند، وضعیت پیش آمده، چنین ترسیم شده است: «حوادث اخیر در آذربایجان و سایر استان ها موجب نگرانی شدید آزادی خواهان، روشنفکران و پیشاهنگان آزادی و عدالت شده است. خشم مردم آذربایجان را نباید ناشی از نشر یک کاریکاتور بدانیم، بلکه مجموعه ای از عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همچون تداوم محرومیت ها، فشار اقتصادی، بیکاری، فقر، بی اعتنائی به وضعیت نامطلوب اقوام و مناطق خارج از مرکز، زمینه ساز تحولاتی شده که اینک به تظاهرات و اعتراضات گسترده تبدیل شده است. زیست و سرگذشت مشترک ما ایرانیان، به ویژه در یک قرن اخیر، پیام آور این حقیقت است که توزیع عادلانه و دموکراتیک قدرت و امکانات، آزادی بیان و برخورد مسالمت آمیز با اقلیت های قومی-فکری-سیاسی، موجب همبستگی ملی و افزایش مشارکت مردم و تحقق توسعه پایدار است، در حالی که تمرکزگرایی و به کارگیری روش های فخر آمیز برای اداره کشور حاصلی جز تضعیف همبستگی ملی، افزایش تضادهای اجتماعی، تشدید فقر و ناامنی و تهدید کیان ملی ندارد. جامعه ایران دارای تنوع قومی، مذهبی و زبانی است و بدون احترام به همه آنها و به رسمیت شناختن برابری حقوقی همه شهروندان نمی توان وحدت و همبستگی ملی را تضمین کرد. این اطلاعیه علاوه بر طرح دشواری ها و ستم هایی که در طول ده ها سال بر هم وطنان ما مانند اقلیت های ملی، وارد می شود، مسئولیت عمده وضع پیش آمده را متوجه حکومت می داند. امضاء کنندگان در پایان خواست های مشخص خود را چنین یادآور شده اند: ما «تکالیف قانونی مقامات حکومت» را در رسیدگی سریع به پرونده های افراد بازداشت شده و رعایت حقوق اساسی آنها، بویژه اصول ۱۹، ۲۲ و ۲۳ قانون اساسی و نیز مواد ۲، ۹ و ۱۹ «قانون الحاق ایران به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی» (مصوب ۱۷/۲/۱۳۵۴ مجلس شورای ملی) را به شرح زیر یادآوری می کنیم:

• دولت های طرف این میثاق متعهد می شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را در باره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیت شان بدون هیچ گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب و سایر وضعیت ها محترم شمرده و تضمین کنند.

• هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچکس رانمی توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد.

• هیچکس را نمی توان به مناسبت عقابندش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد.

حزب توده ایران بار دیگر تأکید می کند که ریشه معضلات کنونی را در سیاست های اعمال شده از سوی رژیم ولایت فقیه، در سرکوب حقوق حقه خلق های میهن ما باید جستجو کرد و تا زمانی که به خواسته های انسانی و مطالبات ملی پاسخ درخور داده نشود، نمی توان از خطرات و نگرانی هایی که در نامه از جانب آزادخواهان و میهن دوستان به درستی بدان اشاره شده است، چشم پوشید. رعایت و تأمین حقوق ملی و دموکراتیک همه ملیت ها و خلق های ساکن ایران در همه عرصه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از جمله این موارد است.

پانزدهمین سمینار بین المللی کمونیست در بروکسل

ادامه پیکار دلیرانه زنان ...

۲- آنچه به عنوان مطالبات تجمع کنندگان عنوان شده، مجموعه‌ای از خواسته‌های به حق و معوقه زنان است که طی بیش از یک دهه بارها اعلام و با بی‌اعتنایی مسؤولان روبرو شده است. این مطالبات و این تجمع به هیچ عنوان سیاسی نبوده، بلکه در زمره حقوق شهروندی است لذا سیاسی خواندن آن و امنیتی جلوه دادن آن جفای مضاعفی است به زنانی که با توسل به شیوه‌های مدنی، مطالبات شان را دنبال می‌کنند و تقویت‌کننده موضع کسانی است که می‌کوشند اعتراضات غیر مدنی و آشوب‌گرایانه را جایگزین اعتراضات مدنی کنند. شیوه برخورد خشن با تجمع مسالمت‌آمیز فوق است در واقع مصداق نقض امنیت ملی است.

۳- توسل به خشونت به جای تامین امنیت برگزاری تجمعات شهروندان ناقص حقوق بشر، ناقص امنیت کشور و مغایر وظیفه ذاتی نیروی انتظامی است بنابراین مسؤولیت تخلفات و اقدامات نامناسب صورت گرفته بر عهده وزارت کشور است و شخص وزیر کشور به عنوان مسئول نیروی انتظامی موظف است که با رسیدگی به موضوع، زمینه احقاق حقوق و دلجویی از بازداشت‌شدگان و قربانیان خشونت مراسم فوق را در اسرع وقت فراهم سازد و با خاطیان برخورد کند. بی‌شک این رویداد تلخ، آزمون مهمی در راستای آزمایش دعوی دولت مهر ورزی در بین افکار عمومی است.

علاوه بر این سازمان دیده بان حقوق بشر نیز اطلاعاتی مطبوعاتی منتشر کرد و از دولت ایران خواسته است تا همه بازداشت‌شدگان را فوراً آزاد کند، به ارباب و اذیت و آزار فعالان اجتماعی خاتمه دهد، به تعهدات بین‌المللی خود پایبند بماند، به آزادی تجمعات احترام بگذارد و از اعمال خشونت توسط نیروهای انتظامی جلوگیری و متخلفین را مجازات کند. سیل همبستگی سازمانها و نیروهای مترقی از خواسته‌های برحق و انسانی زنان میهن ما همچنان ادامه دارد. طبق اخبار رسیده آقای موسوی خوئینی نسبت به گرفتن «اعتراقات» کذابی هشدار داده و ملاک را عقاید خود در بیرون از زندان و نه در شکنجه‌گاه‌ها دانسته است. نیروهای مترقی در ایران و جهان همچنان خواستار آزادی آقای موسوی خوئینی هستند.

جنبش مستقل زنان نشان داد که می‌تواند با همکاری با دیگر نیروهای اجتماعی، از جمله دانشجویان و جوانان و قشرهای زحمتکش و پیوند خواست‌های خود با مبارزه جنبش‌های مردمی راه خود را برای دستیابی به آزادی و برابری اجتماعی بگشاید. انعکاس مبارزات دلیرانه زنان میهن مان پشتیبانی از خواست‌های بحق آنان، کارزار برای آزادی همه زنان و مردان آزادی خواهی که در تظاهرات مسالمت‌آمیز ۲۲ خرداد دستگیر شده‌اند و نیز محکوم کردن چهره زن ستیز رژیم ولایت فقیه در سرکوب خواسته‌های برحق و انسانی زنان، از وظایف مبرم نیروهای مترقی و مردمی است.

حزب توده ایران نیز یک بار دیگر همبستگی رزم‌جویانه خود را با زنان میهن و مبارزه آنان در راه دستیابی به خواسته‌های برحق و انسانی اعلام می‌کند. حزب ما بر این باور است که در سایه همبستگی و نزدیکی همه ارکان جنبش مردمی که پایه‌های بنیادین آن را کارگران، زنان و جوانان و دانشجویان، تشکیل می‌دهند، می‌توان به مقابله با استبداد پرداخت و در راه کسب حقوق انسانی مردم میهن مبارزه کرد. حزب ما هم چنین خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط دستگیرشدگان روز ۲۲ خرداد، است. باید صدای خود را برای رهایی زنان مبارز بلند کرده و خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی دربند شد.

پانزدهمین سمینار بین‌المللی که همه‌ساله به همت و کوشش حزب کار بلژیک برای هماهنگی و تقویت مبارزه احزاب و سازمانهای کمونیستی و چپ در برابر سیاست‌های تجاوزگرانه امپریالیسم جهانی و دفاع از منافع زحمتکشان، در فاصله روزهای ۱۷-۱۵ ماه اردیبهشت ماه در بروکسل پایتخت بلژیک برگزار شد. طبق سنت سال‌های اخیر هیئت نمایندگی حزب توده ایران، که یکی از دعوت‌شدگان رسمی به این اجلاس بین‌المللی بود، در جریان آن فعالانه شرکت داشت. در این سمینار نمایندگان ۶۰ حزب و جریان چپ از کشورهای مختلف با مستقیماً شرکت و یا به عنوان ناظر حضور داشتند. دهها سازمان و نیروی چپ از سراسر جهان نیز با ارسال پیام‌هایی همبستگی خود را با نمایندگان حاضر در اجلاس اعلام کرده بودند.

سمینار در روز ۱۵ اردیبهشت ماه با سخنان رهبر حزب کار بلژیک، رفیق مارتنز، گشایش یافت. رفیق مارتنز در سخنانش به بررسی و تشریح کارکرد و درگیری‌های نظری در میان احزاب کمونیستی و چپ در طی ۱۵ سال گذشته پرداخت و این دوره را به دوره‌های مختلفی تقسیم بندی نمود. او دوره اول را مربوط به زمانی دانست که شوروی و کشورهای سوسیالیستی در حال فروپاشی بودند بنابراین بیشتر تلاش احزاب کمونیستی و چپ بر این بود که دلایل این روند منفی را بازبینی نمایند و عواملی که باعث این فروپاشی شد را توضیح دهند. دوره دوم مرحله‌ای بود که در بین نیروهای چپ اختلاف‌های نظری شدیدی در مورد مسایل بین‌المللی و شیوه برخورد به بنیادهای نظری جنبش چپ وجود داشت. سخنران شروع سومین دوره را از سال‌های ۱۹۹۹ دانست که احزاب کمونیستی و کارگری با همبستگی بین‌المللی کارزار مشترکی را برضد سیاست‌های جنگ افروزان امپریالیسم جهانی پیش برده‌اند و در تلاش هستند تا با نزدیکی و همکاری‌های گسترده زمینه‌های ایجاد یک نهاد هماهنگی جدید و متناسب با شرایط بین‌المللی را ایجاد نمایند.

پس از سخنان رفیق مارتنز، سمینار به شکل رسمی کار خود را آغاز نمود و نمایندگان در طی ۳ روز به تشریح مواضع و دیدگاه‌های احزابشان، پیرامون تأثیر کمونیسم بین‌المللی در پایه‌ریزی و گسترش احزاب کمونیستی در کشورهای مختلف و تجارب مشخص این احزاب در میان طبقه کارگر پرداختند و از مبارزات اجتماعی مردم جوامع مختلف در اقصی نقاط جهان سخن گفتند.

نماینده حزب کمونیست کوبا، در سخنرانی خود بر این نکته تأکید کرد که با توجه به اینکه درصد بالایی از جمعیت این کشور را جوانان تشکیل می‌دهد، حزب و سازماندهندگان جامعه را بر آن داشته است که به تربیت این جوانان و نقش‌آموزش و پرورش توجه ویژه‌ای داشته باشند. و اینکه هم اکنون ۳۰۰ هزار دانشجو در حال تحصیل در دانشگاه‌های این کشورند و پزشکان متخصص این کشور در دهها کشور در سراسر جهان در حال خدمت به محرومان هستند و کوبا از سطح بسیار بالای خدمات درمانی و بهداشتی برخوردار است. نماینده کشور بولیوی در حالی که پرچم کشور خود را حمل می‌کرد در میان کف زدن‌های ممتد حاضران پشت تریبون فرار گرفت. او در سخنان پرشور خود از سیاست استعمارگران در بولیوی بویژه قتل عام ۵۰۰ ساله بومیان این کشور سخن گفت و اینکه دولت‌های پیشین دست‌انگیزان را برای چپاول و غارت منابع طبیعی این کشور بازگذاشته بودند و در دهه‌های اخیر سیاست خصوصی‌سازی هر چه بیشتر صنایع و منابع طبیعی این کشور موجی از اعتراض‌های اجتماعی را برانگیخته بود. در چنین شرایطی است که توده‌های مردم برای تغییر اوضاع با اکثریت آرا به «اوو مورالس» رای دادند و در حقیقت انتخاب مورالس رییس جمهوری بولیوی، به دلیل سرکوب حقوق مردم این کشور توسط حکومت‌های پیشین بوده است و انتخاب او غرور ملی مردم را تقویت کرده است. یکی از سخنرانان رسمی این اجلاس نماینده حزب توده ایران بود که در سخنرانی خود تلاش کرد که ورای سخن پراکنی و تهدیدهای تنش‌زا بین رهبران جمهوری اسلامی و حاکمان آمریکا، به افشای اهداف واقعی و سهم آنان در ایجاد بحران کنونی بپردازد و با بررسی روند تحولات سیاسی سال‌های اخیر زمینه‌های ایران، از اختلاف و درگیری را بیان کند. نماینده حزب توده ایران در بخشی از سخنان خود به این نکته اشاره کرد که، اگرچه در اساسی‌ترین روند‌های اقتصادی، جمهوری اسلامی از قوانین «بازار آزاد» و سرمایه‌داری جهانی پیروی می‌کند ولی در عرصه سیاسی حاکمان ارتجاعی رژیم ولایت فقیه، برای حفظ حاکمیت و افسرگرایان، به خاطر عقب‌ماندگی نظری و فراموش ساختن شرایط سرکوب جنبش آزادیخواهانه و عدالت‌مطلبانه میهنمان، سیاست‌های تحریک‌آمیز و ماجراجویانه‌ای را در قبال برخی کشورهای سرمایه‌داری دنبال می‌کنند. این سیاست‌ها که هیچ نقطه مشترکی با یک جهت‌گیری استقلال‌طلبانه، ترقی‌خواهانه و مردمی ندارد، در عمل به محافل دست راستی دولت آمریکا برای کنترل بلامنافع منابع نفتی، تحمیل سرکودگی بی‌چون و چرای آمریکا در منطقه و تامین منافع استراتژیک آمریکا، که سیاست جنگ افروزان و خطرناکی را در برابر ایران دنبال می‌کنند، اجازه می‌دهد تا سیاست‌های ضد مردمی خود را توجیه کنند. این وضعیت می‌تواند عواقب بسیار ناگوار و فاجعه‌آوری برای مردم ایران و منطقه داشته باشد. نماینده حزب توده ایران، سپس حصار را از سطح مبارزاتی جنبش اجتماعی ایران مطلع کرد و از سرکوب خشن فعالان و اعضای «سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران»، دستگیری گسترده دانشجویان و ضرب و شتم بیرحمانه فعالان زن توسط مزدوران رژیم هنگام تجمع آنان در جریان برگزاری مراسم روز هشتم مارس، روز جهانی زن، سخن گفت. او در بخشی دیگر افزود: «هم اکنون، مهمترین وظیفه نیروهای کمونیست و چپ جلوگیری از شروع یک جنگ است. بیاباید با کارزار مشترک صدایمان را برضد سیاست جنگ افروزان حاکمان ارتجاعی بلند کنیم ... ما مطمئن داریم که جنبش سیاسی میهنمان این ظرفیت و توان را دارد که رژیم و افسرگرای کنونی را به عقب براند. حمایت و یاری رساندن به این جنبش، بخشی از مبارزه بشریت مترقی برضد جنگ و بی‌عدالتی در جهان است» سخنان نماینده حزب با توجه به شرایط حاد کنونی در منطقه مورد استقبال حصار قرار گرفت. هیئت نمایندگی حزبمان در جریان کنفرانس دیدار و گفتگوهای مفیدی با نمایندگان احزاب کمونیست از کوبا، سوریه، فلسطین، ترکیه و نمایندگان سازمان‌های چپ آمریکا، فرانسه، افغانستان و بلژیک پیرامون مسایل حاد منطقه داشت و همچنین آنان را در جریان تحلیل‌های حزب توده ایران در رابطه با آخرین تحولات ایران و منطقه گذاشت.

سمینار بین‌المللی کمونیست، پس از ۳ روز بحث و گفتگو و تبادل نظر، با صدور قطعنامه سمینار پیرامون رؤس مبارزه کمونیست‌ها در مرحله کنونی، به کار خود پایان داد.

ادامه پیکار دلیرانه زنان ...

«دیده بان حقوق بشر» گفته است که دولت برای اولین بار از نیروهای پلیس زن برای دستگیری تظاهر کنندگان زن استفاده کرد در حالی که پلیس های مرد، به دستگیری مردان شرکت کننده پرداختند. به گفته این شاهد عینی، کسانی که از نزدیک صحنه های یاد شده را مشاهده می کردند از واکنش خشونت آمیز پلیس علیه تظاهرکنندگان شوکه شده بودند.

*پیشینه این حرکت اعتراضی

جنبش مستقل و پرتوان زنان میهن ما، روز ۲۲ خرداد هشتاد چهار، روز اعتراض به مواد زن ستیز در قانون اساسی و دیگر قوانین تبعیض آمیز، روز همبستگی ملی و روز تجدید عهد با مبارزه زنان برای لغو نابرابری ها و تبعیض ها را در شرایط خفقان ولایت فقیه با مبارزه پیگیر خود به ثبت رسانید. در روز بیست و دو خرداد سال گذشته زنان پیشرو و شجاع ایران در اولین تجمع مسالمت آمیز خود در جلوی دانشگاه تهران در اعتراض به قوانین نابرابر حقوقی و مدنی، قوانینی که خشونت علیه زنان را جنبه رسمی و قانونی بخشیده و سرکوب حقوق زنان را به بهانه های «شرعی» مجاز می شمرد قطعنامه ای خواندند و در آن اعلام کردند که این مبارزه را تا رسیدن به خواسته های بحق و انسانی خود ادامه می دهند. آنان در ۲۲ خرداد ۸۴ شعارهایی همچون: «ما رژیم، انسانیم، شهروند این دیاریم، اما حق نداریم!» حضور پرتوان و پویای جنبش مستقل زنان را در مبارزه با سیاست های قرون وسطایی و زن ستیز رژیم ولایت فقیه اعلام کردند. جنبش زنان از طرفی به اصلاح طلبان، آنانی که می پنداشتند زنان باید در صف دمکراسی منتظر بمانند تا پس از برقراری دمکراسی در جامعه خواسته های خود را مطرح کنند با شعار «حقوق زنان، حقوق بشر است» ثابت کردند که مبارزه در راه حقوق انسانی و مدنی زنان تعطیل بردار نیست و راه دمکراسی در ایران از راه مبارزه مشترک همه قشرها و نیروها و بویژه مبارزه در راه برابری حقوق زن و مرد می گذرد. از طرف دیگر جنبش زنان با گردآوردن و پشتیبانی گروههای مختلف زنان و مردان آزادی خواه و نیز سازمانها و احزاب مترقی با دور خواسته های برابری خواهی، تجربه به هم بودن و با هم مبارزه کردن را به نمایش گذاشت. امری که خواب ارتجاع و حامیان ولایت فقیه را آشفته تر ساخت و بزعم خود آنرا متفرق و سرکوب کرد، اما نهال جنبش زنان که ریشه در مبارزات صد ساله زنان ایران دارد با ضرب و شتم و سرکوب نمی توان از بین برد. تاریخ هیچگاه از یاد نمی برد مبارزه زنان و دختران ایران از حدود یک قرن پیش تا به امروز راه، یعنی آن زمان که خواستند بندها را بگسلند و از پستوی خانه ها بیرون آمدند و در مدارس و مجامع عمومی ظاهر گشتند، ارتجاع با فریاد «وااسلاما» ابتدا سوادآموزی دختران را امری «غیرشرعی» و راه اندازی مدارس دخترانه به همت زنان پیشرو را محکوم کرد تا امروز که زنان و دختران ۶۵ درصد کل دانشجویان کشور را تشکیل می دهند و با همه محدودیت ها و تحقیرها درها را یکی پس از دیگری بروی خویش میگشایند. این بار با هم ارتجاع با همان شیوه همیشگی یعنی شرعی و طبیعی دانستن قوانین زن ستیز و رد حقوق ابتدایی و انسانی زنان مندرج در کنوانسیون ها و نیز اعلامیه حقوق بشر، که ایران نیز آن ها را امضاء کرده است، همچنان تلاش دارد که قوانین پوسیده و

قرون وسطایی خود را به زنان میهن ما تحمیل کنند. اما زنان شجاع و پیکارجوی ایران که مبارزه دشوار خود را در شرایط خفقان و زیر سایه دیکتاتوری، پی گیرانه به پیش می برند امسال نیز در آستانه بیست و دو خرداد با استفاده از اصل بیست و هفت قانون اساسی که اجتماعات مسالمت آمیز را قانونی می شناسد، با انتشار فراخوان از همه زنان، مردان و نیروهای آزادیخواه درخواست کردند که با حضور مسالمت آمیز خود در میدان هفت تیر یکبار دیگر صدای اعتراض خود را علیه قوانین ناعادلانه و تبعیض آمیز و زن ستیز بلند کنند. انتشار این فراخوان با پشتیبانی و حمایت وسیع احزاب و سازمانها و نیروهای مترقی و مردمی ایران و حتی برخی سازمانهای بین المللی و به رو شد، و رژیم بار دیگر با به نمایش گذاشتن ماهیت ضد مردمی خود به سرکوب جنبش مردمی و این بار جنبش زنان اقدام کرد. از تهدیدها و احضار فعالین جنبش زنان قبل از ۲۲ خرداد گرفته تا سرکوب خشن این تظاهرات در ۲۲ خرداد. اما رژیم این بار حتی «شرعی بودن» را نیز در شکل سرکوب رعایت کرد! و برای اولین بار ابزار سرکوب را (علاوه بر مامورین انتظامی و امنیتی و لباس شخصی ها) از میان زنان انتخاب کرد و همانطور که عکس های سرکوب در این روز نشان میدهد این زنان آموزش دیده و اجیر ولایت فقیه در سرکوبگری چیزی از همکاران مرد خود کم نداشته و با ضرب و شتم بیرحمانه زنان - از پیر تا جوان - و تحقیر و توهین به آنان در برخی موارد صحنه زن سرباز آمریکایی شکنجه گر نیروهای بی گناه عراقی در بغداد را در ذهن ها تداعی می کرد، همان زنی که بعدها در دادگاه خود را ماموری معذور و اجرا کننده اوامر مافوق خود اعلام کرد!

سرکوب تظاهرات مسالمت آمیز زنانی که خواهان ابتدایی ترین حقوق انسانی خویش اند در کشوری که رییس جمهور آن به دستور ولایت فقیه درس اخلاق و آزادی به دیگر کشورها میدهد و از رییس جمهور آمریکا می خواهد که آزادی به مردم خود دهد واز زندان گوانتانامو سخن میگوید و... اما در کشور خود کوچکترین حرکت آزادیخواهی را تحمل نکرده و با حرکت مسالمت آمیز زنان به خشن ترین وجه ممکن برخورد و آزادیخواهان زن و مرد را دستگیر و روانه شکنجه گاه ها می کند، یکبار دیگر چهره فریبکار، ضد مردمی و ارتجاعی رژیم ولایت فقیه را در انظار جهانیان به نمایش گذاشت. رژیمی که در هفته ها و ماه های گذشته با سرکوب جنبش دانشجویی و سرکوب سندیکاهای کارگری برگ دیگری بر کارنامه سیاه خود افزوده است و بزعم خود تلاش دارد تا سکوت گور ستانی بر کشورمان تحمیل کند.

رژیم ولایت فقیه بنا به ماهیت خود نمی خواهد صدای مبارزه و اعتراض زنان را بشنود. در حالی که نمایندگان گوش به فرمان زن مجلس شورای اسلامی از این تظاهرات اظهار بی اطلاعی می کردند دو روز بعد طیب زاده عضو فراکسیون زنان مجلس «برگزاری تجمع به توصیه عناصر معلوم الحال که امنیت جامعه (بخوان ولایت فقیه) را به خطر می اندازد» نسبت داد (به نقل خبرنگاری مهر). و پایگاه خبری «بازتاب» در بازتاب! این واقعه با تمسخر و برای لوث کردن مبارزه زنان، چنین می نویسد: «... این عده که تعداد آنان به حدود صد نفر می رسید ... با حضور دهها تن از پلیس های زن و تذکر آنان در باره ترک محل، اکثر این خانمها محل تجمع را ترک کردند و چند نفر باقیمانده پس از برخورد های زنانه (!) خانمهای پلیس، ناگزیر به منازل خود مراجعت کردند (لابد برخی هم به ناگزیر به زندان ها رجعت داده شده اند!) خبرنگار بازتاب چند خانم مسن و چند مرد میانسال را هنگام دستگیری مشاهده کرده است.» این روزنامه در پایان می نویسد

«...گفتنی است، ابتدا ۴۱۵ تن از فعالین حقوق زنان طی فراخوانی از شهروندان خواسته بودند در گردهم آیی امروز شرکت کنند. اما پس از اینکه عده ای نظیر شیرین عبادی حمایت خود را از این تجمع قطع کردند و سپس بیوه شاه سابق به حمایت قاطع از این همایش پرداخت که در نتیجه تنها یکصد و یازده تن از فعالان سیاسی از تجمع امروز پشتیبانی کردند.» «این همان شیوه و روش همیشگی استبداد و ارتجاع، نذیدن و نشنیدن صدای اعتراضات و با منتسب کردن آن به عوامل بیگانه است. فقط فرقی اینست که امروزه در عصر ارتباطات و فن آوری در حالی که صدها خبرنگار و وبلاگ نویس و عکاس توسط اینترنت خبر تظاهرات و ضرب و شتم زنان را با عکس و یا نوشته در همان لحظات اول گزارش می دهند و نیز روز به روز موج اعتراض به سرکوب ها و دستگیری زنان و مردان آزادیخواه اوج می گیرد سخن راندن «بازتاب» گونه رژیم ولایت فقیه نه فقط بسان کبک سر فرو بردن در برف است بلکه بیشتر ناشی از هراس و وحشتی است که رژیم از مبارزه حق طلبانه زنان ایران دارد. تهدیدها و دستگیری های پیش و بعد از تظاهرات فعالین جنبش زنان خود موید این نظر است. چراکه این پیکارها به همراه مبارزه سایر نیروهای مترقی و مردمی پایه های رژیم ولایت فقیه را نشانه گرفته و صدای شکستن دیوارهای استبداد ولایت فقیه را نوید میدهد. این مبارزه همان طور که در قطعنامه خوانده شده ۲۲ خرداد آمده است، تا رسیدن به خواسته های بر حق زنان ادامه خواهد داشت. شرکت وسیع دانشجویان به ویژه پسران دانشجو و بطور کلی پشتیبانی و حضور مردان آزادیخواه در این تظاهرات نشان از آن دارد که نیروهای آزادیخواه کشورمان میدانند تا زنان یعنی نیمی از جامعه ما آزاد نباشند از آزادی در جامعه نمیتوان سخن گفت.

کارزار دفاع از حقوق مطرح شده زنان و همچنین مبارزه برای آزادی دستگیرشدگان از همان فردای روز ۲۲ خرداد آغاز شد. پشتیبانی احزاب و سازمان های مترقی داخلی و بین المللی از خواسته های بحق زنان و بویژه اعتراض به دستگیری زنان و مردان آزادیخواه، مبارزه ای بود که رژیم را وادار ساخت تا دستگیر شدگان بجز آقای موسوی خوئینی را آزاد کند و این اعتراضات و پشتیبانی ها همچنان در سطح ایران و جهان ادامه دارد. از جمله سازمان عفو بین الملل نیز طی اطلاعیه ای ضمن حمایت از خواسته های زنان برای لغو قوانین زن ستیز رژیم را برای «اقدامی فوری برای اصلاح قوانین و اعمالی که باعث استمرار تبعیض علیه زنان در ایران شده و آنها را از دسترسی کامل به حقوق اساسی انسانی شان بازمی دارد» فراخواند و خواستار پذیرش بی قید و شرط کنوانسیون منع هرگونه تبعیض علیه زنان توسط رژیم ایران گردید.

بیانیه ای نیز به امضاء صدها نفر از چهره های سیاسی - فرهنگی، دانشجویی کشور با عنوان: «در اعتراض به برخورد با تجمع زنان و درخواست برای آزادی بازداشت شدگان» منتشر شده است که در آن خواسته های مشخص مطرح شده است. در این بیانیه از جمله می خوانیم: متأسفانه تجمع مسالمت آمیز جمعی از زنان در میدان هفت تیر با دخالت نیروی انتظامی به خشونت کشیده شد و پلیس های زن به ضرب و شتم شرکت کنندگان در تجمع پرداختند و در نهایت نیز عده ای بازداشت شدند... از آنجاییکه این تجمع حق مسلم اعلام کنندگان فراخوان و شرکت کنندگان است لذا ما امضا کنندگان، ضمن محکوم کردن اقدام نیروی انتظامی نکاتی را به شرح زیر عرض کرده و مصرانه خواهان آزادی سریع و بی قید و شرط بازداشت شدگان هستیم.

۱- برابر با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برگزاری تجمعات و راهپیمایی در صورت عدم حمل سلاح و توهین به مبانی اسلام، آزاد است و کسی حق ندارد مانع از آن شود.

ملی شدن نفت بولیوی و گام های جدید به سوی منافع مردم

ایوو مورالس رئیس جمهوری منتخب و مردمی بولیوی پس از به دست گرفتن قدرت دولتی، تلاش کرده است تا به وعده های انتخاباتی خود، که تامین منافع عمومی مردم است، عمل کند. یکی از جدی ترین حرکت های او، ملی کردن صنایع نفت و گاز این کشور در روز اول ماه مه بود. در روز اول ماه مه، مورالس ضمن ابرار یک سخنرانی ملی شدن صنایع نفت این کشور را اعلام کرد و بلافاصله پس از آن نیز ارتش کشور، برای جلوگیری از هرگونه خرابکاری و کارشکنی در تولید، در مراکز نفتی مستقر شدند و آنها را تحت کنترل گرفتند. بنا به دستور مورالس، شرکت های خارجی موظف شده اند تا تولید خود را با برنامه های دولت هم آهنگ کنند و مقرر شده است تا این شرکت ها طی شش ماه آینده قرارداد جدیدی را با دولت به امضا برسانند. در پایان این دوره اگر شرکتی حاضر به امضای قرارداد نشود، دیگر حق فعالیت در بولیوی را نخواهد داشت. «آوارو گارسیا» معاون رئیس جمهوری، که این خبر را در جریان راه پیمایی اول ماه مه در لاپاز اعلام کرده بود، ضمن تاکید بر اهمیت مسأله، گفت که بولیوی «اولین ملی کردن در قرن بیست و یکم راه، بدون اینکه از کسی اجازه بگیرد یا بدون اینکه با کسی مذاکره کند، انجام می دهد» و این بخشی از تصمیم برای دست یابی به حق حاکمیت کامل است (روزنامه گراناما، اول ماه مه).

او اشاره کرد که این حکم دقیقاً ده سال پس از خصوصی شدن صنایع نفت این کشور توسط دولت نو لیبرال «گونزالو سانچز لوزدا»، صادر می شود، صنایعی که در حال حاضر تحت مالکیت دولت قرار گرفته است. گارسیا تاکید کرد که «از امروز، صنایع نفتی ما دیگر هرگز در دست [شرکت های] چند ملیتی قرار نخواهد گرفت» (همانجا).

تصمیم به ملی کردن صنعت نفت در بولیوی، حرکتی جدی از سوی دولت این کشور در نزدیکی به سیاست های کوبا و ونزوئلا و در مبارزه برضد سیاست های نئولیبرالیستی آمریکا در منطقه صورت می گیرد. در تایید حرکت انجام شده و این که بولیوی به

اجلاس اتحادیه اروپا و آمریکای لاتین

چهارمین اجلاس کشورهای اتحادیه اروپا و کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب در روزهای ۲۱ و ۲۲ اردیبهشت ماه، در شهر وین، پایتخت اتریش برگزار شد. پیش از این سه اجلاس مشابه دیگر صورت گرفته بود که اولین آنها در سال ۱۹۹۹ در ریو دو ژانیرو، برزیل، دومین آن در سال ۲۰۰۲ در مادرید، اسپانیا و سومین آن در سال ۲۰۰۴ در گودالا جاردو، مکزیک بود. در اجلاس حاضر که ۲۵ کشور اتحادیه اروپا و ۳۳ کشور آمریکای لاتین و کارائیب در آن حضور داشتند، سران کشورهای شرکت کننده در مورد مسایل گوناگون، از جمله موافقتنامه منطقه آزاد تجاری، مبارزه با مواد مخدر، جرایم سازمان دهی شده، تروریسم، مسأله مهاجران، علوم و فن اوری و انرژی، به بحث نشستند. همچنین در حاشیه این اجلاس، سران کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب در نشست جدیگانه به بحث در مورد همکاری های چند جانبه، و مسایل ویژه منطقه و اختلافات بین کشورهای حاضر پرداختند.

کشورهای اتحادیه اروپا، به رغم مصوبات عمومی سازمان ملل که تحریم های آمریکا بر ضد کوبا را غیرقانونی خوانده است، در جریان اجلاس تلاش کردند تا با تحمیل شرایط اقتصادی و سیاسی، کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب را تحت فشار قرار دهند و در رابطه با کوبا، در عمل مواضع آمریکا را در پیش گرفتند.

در این رابطه، «کارلوس لاگه» معاون هیئت دولتی کوبا، ضمن محکوم کردن سیاست های اتحادیه اروپا گفت: «کوبا نمی تواند تحریم ها و یا سیاست های اتحادیه اروپا علیه کوبا را جدی بگیرد، چرا که مغرضانه هستند... اتحادیه اروپا فاقد استقلال سیاسی است و رد پای آمریکا را دنبال می کند.» او در رابطه با شروط اتحادیه اروپا اعلام کرد کوبا به طور رسمی تهدید های سران اتحادیه اروپا را که ادعا کرده اند، اگر کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب شرایط لازم را برای سرمایه گذاری فراهم نکنند، شرکت های آنها به مناطق دیگر خواهند رفت، را محکوم کرد و گفت: «ما چنین لحنی را قبول نمی کنیم، من به هیچ وجه متوجه نمی شوم که چگونه چنین شرایطی می تواند به ایجاد روابطی خوب منتهی شود.» «خبرگزاری پریسنالاتینا ۱۴ ماه مه» او اضافه کرد که در رابطه با سیاست های اتخاذ شده برای تحریم، که از سوی اتحادیه اروپا و تحت رهبری آمریکا صورت گرفته است، کوبا اعتراض خود را به سران اتحادیه اروپا اعلام کرده است. کارلوس لاگه در مصاحبه ی مطبوعاتی که در جریان این کنفرانس داشت، ضمن آنکه مفاد تصویب شده در قطعنامه ۱۱ ماه مه را پیروزی برای انقلاب و موضعی که از آن دفاع می کند، خواند، گفت: «برای اولین بار در اجلاسی از این قبیل، قطعنامه ی پایانی آن می پذیرد که برای ساختمان دموکراسی مدل واحدی وجود ندارد و اینکه، دموکراسی ارزشی عمومی است بر اساس ابراز بیان آزادانه ی خواست شهروندان برای تعیین سیستم سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شان.» (گراناما ۱۱ ماه مه)

او اضافه کرد که انقلاب ما تغییری جدی در زندگی اجتماعی شهروندان ایجاد کرده است و اینکه ایالات متحده و اتحادیه اروپا تلاش می کنند تا یک مدل مشخص را به سایر کشورها تحمیل کنند، که این مسأله به نوبه ی خود کاملاً ناقض مدعیات آنان است. (همانجا)

سران کشورهای اتحادیه اروپا در جریان اجلاس وین به شدت سیاست های استقلال طلبانه ونزوئلا و بولیوی را، در رابطه با منابع انرژی کشور های خود، به انتقاد کشیدند. ولفگانگ شولس، صدراعظم اتریش، بدون هیچ اشاره ای به فقر، فساد و نابرابری در کشورهای سرمایه داری، در موعظه در باره بازار آزاد گفت: «در زندگی دو امکان وجود دارد. یا شما خواستار باز کردن بازارهای خود هستید و یا اینکه نمی خواهید بازارهایتان را باز کنید. این انتخاب شماست اما حقیقت اینست که عملکرد و بازدهی جوامع با بازار آزاد از جوامع بسته و با ساختار های محدود بهتر است.» تونی بلر، نخست وزیر انگلستان، نیز در حمله به سیاست ملی کردن صنایع انرژی توسط دولت بولیوی به این مسأله که «انرژی امروزه مسأله ای برای همه کشورها است» اشاره کرد و گفت: «هر کشوری به منابع امن و با ثبات انرژی نیاز دارد.» و به شکلی سؤال برانگیز به مسئولیت کشورهای که منابع انرژی دارند، در رابطه با تامین انرژی اشاره کرد. در مقابل

ایوو مورالس، رئیس جمهوری جدید بولیوی، در سخنان خود در اجلاس به موجه بودن و ضرورت ملی کردن بخش انرژی برای مبارزه با فقر اشاره کرد و گفت: «مالکیت عمومی همچنین شامل زمین، معادن و منابع جنگلی خواهد شد.» هرچند که در این اجلاس در میان کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب، اختلاف نظرهایی وجود داشت، اما گردهمایی در مجموع توانست مشخص کند که به رغم روابط سیاسی و اقتصادی بین دو منطقه، اتحادیه اروپا حق ندارد تا در امور داخلی کشورهای آمریکای لاتین، به ویژه از نظر سیاسی دخالت کند و این حق مردم این کشورها است تا از طریق انتخاب سیستم سیاسی - اقتصادی و اجتماعی ویژه خودشان، سرنوشت خود را تعیین کنند، آنچه که در مجموع خود کاملاً متفاوت با سیستم اتحادیه اروپا و آمریکاست.



عضو، افزایش همکاری های اقتصادی در میان کشورهای عضو است. آنچه که بنا به نوشته ی پایگاه خبری «مردم روزانه»، پایگاه رسمی خبرگزاری چین: «زمانی که رسانه های

گروهی غربی در مورد سازمان همکاری شانگهای اطلاع رسانی می کنند، مسئله همکاری اقتصادی با بی انصافی در سایه قرار می گیرد... در حالی که فعالیت شدیدی در بخش اقتصادی سازمان همکاری شانگهای صورت می گیرد... برنامه همکاری های تجاری و اقتصادی بین شش کشور عضو در سپتامبر ۲۰۰۳ به تصویب هیئت نمایندگی سران دولت ها رسید... این برنامه ای بلند مدت است که تا سال ۲۰۲۰ را در بر می گیرد» (مردم روزانه، ۱۵ ژوئن ۲۰۰۶).

در همین رابطه، رییس جمهوری چین، هوشین تائو، تاکید کرد که چین راه گسترش صلح جویانه را ادامه خواهد داد، استراتژیی که منافع مشترک همه طرفین در گیر در این پیمان را تامین می کند... تحولات صلح جویانه چین موقعیت های بزرگی را برای کشورهای همسایه اش، به ویژه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای ایجاد خواهد کرد و چین به طور مستمر این حرکت را افزایش داده و گسترش هرچه بیشتر این سازمان را به پیش خواهد برد (همانجا).

سازمان همکاری شانگهای به دلیل وسعت و جمعیت کشورهای عضو آن و شیوه سازمانی آن به واقع جایگزینی اقتصادی - سیاسی است که در جهانی که ایالات متحده به دنبال سرکردگی مطلق و تحت کنترل در آوردن منابع انرژی و کنترل اقتصادی جهان است، می تواند نیروی متعادل کننده ای در سطح جهان باشد. جایگزینی که در کنار سایر سازمان های همکاری منطقه ای نظیر «آلبا» در آمریکای لاتین می تواند تاثیر عمده ای در به چالش کشیدن سیاست های آمریکا داشته باشند.

کنفرانس شانگهای: ایجاد نظامی دیگر!

ونقل، انرژی، فرهنگ و آموزش و پرورش، گسترش یافت. به رغم اینکه پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده دو درگیری گسترده نظامی را در افغانستان و عراق شروع کرد که تاثیر خود را بر کشورهای این سازمان گذاشت ولی این کشور نتوانست از تحول این پیمان منطقه ای جلوگیری کند و اثر تخریبی مشخصی در اساس و شالوده ی آن داشته باشد.

یکی از دلایل پویا و فعال بودن این سازمان این است که اصول و پایه های تشکیل خود را در تطابق با منافع اساسی کشورهای عضو بنا کرده است. این کشورها تلاش دارند تا روابط دوستانه با همسایگان خود را گسترش دهند، همکاری در زمینه های مختلف را افزایش داده، برضد «سه نیروی اهریمنی» مبارزه کنند، و به موازات آن تلاش می کنند تا نظم جهانی دموکراتیک و عادلانه ای را در مقابل «نظم نوین جهانی» مورد نظر ایالات متحده به وجود آورند. یکی از این شیوه ها ایجاد روابط دو جانبه بین کشورهاست که بر اساس منافع و امنیت مشترک آن ها صورت می گیرد. در حال حاضر و در روند گسترش هرچه بیشتر این سازمان، مغولستان، پاکستان، ایران و هند به عنوان ناظر در این سازمان پذیرفته شده اند و افغانستان نیز روابط جدیدی را با این سازمان ایجاد کرده است. این امر به نوبه خود باعث گسترش روابط بین کشورهای جنوب شرقی آسیا، کشورهای مشترک المنافع (اتحاد شماری از جمهوری های سابق اتحاد شوروی) و برخی نهادهای سازمان ملل شده است.

بنا به گزارش خبرگزاری شین هوا، در مطلبی درباره پنجمین سالگرد تاسیس سازمان همکاری های شانگهای، این سازمان مدلی جدید برای همکاری های مشترک اروپا - آسیا ایجاد کرده است، که هدف استراتژیک آن افزایش ثبات و امنیت منطقه، تشویق پیشرفت های اقتصادی و پیش بردن روند ادغام منطقه ای در عین حفظ استقلال ملی و فرهنگی هر کشور عضو است (شین هوا، ۴ ژوئن ۲۰۰۶). همکاری های سازمان شانگهای، تنها محدود به مسایل امنیتی و تبادل فرهنگی نمی شود، بلکه از عمده ترین مسایل کشورهای

در روز ۲۵ خرداد (۱۵ ژوئن) کنفرانس کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، در این شهر چین، برگزار شد. ۵ سال پیش، در ۲۵ خرداد (۱۵ ژوئن) ۲۰۰۱، سران شش کشور جمهوری خلق چین، روسیه، قرقیزستان، قزاقستان، ازبکستان و تاجیکستان تاسیس پیمان منطقه ای جدیدی را اعلام کردند، پیمانی که در مدتی کوتاه به سرعت رشد کرد و تاثیر بین المللی خود را نشان داد.

محرك اصلی تشکیل این سازمان، نیاز مشترک کشورهای عضو آن برای مقابله با مشکلاتی بود که اعضای این سازمان در دوره پس از پایان جنگ سرد و شروع «نظم نوین جهانی» مورد نظر ایالات متحده با آن مواجه شده بودند.

یکی از عمده ترین خصوصیت های این دوره تلاش برای ایجاد همکاری های منطقه ای بین کشورهایی است که تلاش می کنند تا استانداردهای زندگی مردم خود را در شرایط بفرنج و به سرعت در حال تغییر بین المللی، گسترش دهند. کشورهای آسیای مرکزی و اطراف آن نیز از تاثیرات جهانی شدن اقتصاد و «چند قطبی شدن سیاسی» مستثنی نیستند.

تحت تاثیر چنین شرایطی بود که سازمان همکاری شانگهای بنیان گذاری شد. با پایان گرفتن اختلافات و درگیری های تاریخی در رابطه با مسائل مرزی بین چین و سایر کشورهای عضو این سازمان، در سال های اخیر، سرانجام شرایط مناسب برای همکاری های نزدیک فراهم شده است. کشور های عضو پیمان شانگهای در سال ۲۰۰۴، در تاشکند، پایتخت ازبکستان، یک بنیاد ضد تروریستی منطقه ای را نیز بنا نهادند تا همکاری های مشترک این کشورها را در مبارزه برضد «سه نیروی اهریمنی»: تروریسم، تجزیه طلبی و افراطی گری، هماهنگ کند.

پس از آن نیز چندین مانور ضد تروریستی توسط کشورهای عضو صورت گرفته است. روند همکاری بین کشورهای عضو، از مسائل امنیتی به سرعت به سوی همکاری های اقتصادی، صنعتی، حمل

کمک های مالی رسیده

به مناسبت ۶۵ - مین سالگرد بنیان گذاری حزب توده ایران

سیامک از کلن ۱۵۰ یورو
از شرق ۵۰ دلار

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس های اینترنت و «ای-میل» http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 741
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

22 June 2006

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse